

بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر میزان نگرش به یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی ناحیه ۳ شهرستان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

نازنین فتاحی

آموزگار ابتدایی، کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

نام نویسنده مسئول:

نازنین فتاحی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر نگرش به یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی ناحیه ۳ شهرستان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. این پژوهش به جهت هدف از نوع کاربردی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان ابتدایی ناحیه ۳ شهرستان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. با توجه به ویژگی‌ها جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در نظر گرفته شد که تعداد ۶۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت بررسی نگرش به یادگیری دانش‌آموزان از پرسشنامه نگرش به یادگیری اکپینر و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی، به وسیله نرم‌افزار spss استفاده شد. براساس نتایج نهایی حاصل از پژوهش، فرضیه مطرح‌شده تأیید شد و نشان داد که نگرش به یادگیری در دانش‌آموزان دارای والدین باسواد، بیشتر است.

واژگان کلیدی: نگرش به یادگیری، سواد والدین، دوره ابتدایی، دانش‌آموزان.

مقدمه

مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان از دو عامل وراثت و محیط سرچشمه می‌گیرد. این دو عامل در بروز کمال دانش‌آموزان نقش اساسی را ایفا می‌کنند. یکی از عوامل محیطی که شاید بتوان گفت مهم‌ترین نقش را در بین سایر عوامل محیطی برای موفقیت دانش‌آموزان دارد؛ خانواده است. خانواده اولی‌ترین و مهم‌ترین گروه است که فرد در ابتدای تولد عضو آن می‌شود. عوامل متعددی در خانواده بر موفقیت دانش‌آموزان تاثیر می‌گذارند. مانند: درآمد خانواد، فضای خانواد، سطح سواد و ... سطح سواد به سطحی از خواندن و نوشتن که برای ارتباط کافی است گفته می‌شود و با سطوحی که یک فرد بتواند مفهوم را بفهمد و افکار و اندیشه‌هایش را تاجایی که در آن سهیم باشد بیان کند.

سازمان ملل متحد (یونسکو) تعریف زیر را ارائه داده است با سواد توانایی شناخت، درک، تفسیر، شناخت، برقراری ارتباط و محاسبه در استفاده از موارد چاپ شده و نوشته شده مربوط به زمینه‌های گوناگون است. با سوادى زنجیره آموزش را که توانایی رسیدن به اهداف، توسعه دانش، پتانسیل و شرکت در جامعه‌ای بزرگتر را برای یک فرد فراهم می‌کند، در بر دارد. سواد و تحصیلات خانواد یکی از عوامل مهم در پیشرفت در جامعه بشری می‌باشد و وجود آنها در خانواده‌ها باعث پیشرفت بهداشت، فرهنگ، اقتصادی و... می‌شود. اما در مقابل آن بی‌سوادى در خانواده همواره از عامل فقر فرهنگی، اقتصادی یک جامعه شده است.

والدین می‌توانند فرزندان خود را به دستیابی تجارب درونی خود راهنمایی کنند، به صورتی که فرزندان بتوانند به فطرت خداجوی و تجربه دینی دست پیدا کنند. والدین به عنوان الگوی فرزندان خود می‌توانند ویژه‌گی‌های مثبت و ارزش‌های دینی را به او منتقل کنند که این امر به میزان سطح سواد والدین از دین و درک آنها از اصول و فروع دین بستگی دارد. تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان‌های دیگر در بافت خانواده شکل می‌گیرد به علاوه کیفیت فرآیندهای دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماه‌های اولیه زندگی، برای بهداشت، هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است خانواده مرحله‌ای مهم برای یادگیری درباره دین بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می‌دهد. خانواده به عنوان در دسترس‌ترین سیستم حمایتی کودکان مد نظر قرار می‌گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادر یا به ویژه سبک خانواده منفی) عوارض جانبی، برای کارکردهای کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می‌کند (حیدری، ۱۳۸۵). خانواده محل اولین روابط عاطفی و اجتماعی کودک است. کودک اصولاً در چارچوب محیط خانوادگی و برحسب الگوهای رفتاری والدین خود است که توقعات زندگی را می‌شناسد سبک‌های تربیتی خاصی که والدین تحصیل کرده انتخاب و اعمال می‌کنند. شخصیت کودکان را شکل می‌دهد. الگوهای همچون پدر و مادر در سال‌های اولیه رشد و پرورش کودکان در محیط خانه بیشترین تاثیر را داراست. محلی که در آن کودک تربیت و آموزش می‌بیند بسیار حائز اهمیت بوده و والدین باید سعی بر آن دارند که محیط را کاملاً گرم و صمیمی و زمینه‌هایی برای پرورش و رشد استعدادهای فرزندان خویش فراهم و به طور کلی زمینه پیشرفت تحصیلی آنها را فراهم سازند (افروز، ۱۳۸۹).

نگرش عبارت است از تمایلات یادگرفتنی قبلی بر اساس مواجهه مثبت یا منفی نسبت به موضوع مشخص نهاد یا فردی معین (آیکن، ۱۹۸۸). نگرش‌ها آموختنی و دیر پا هستند، گاه آگاهانه و در بیشتر موارد به تدریج به صورت اتفاقی و ناخودآگاه کسب می‌شوند. صرف نظر از نحوه کسب آنها نگرش‌ها نظام اعتقادی افراد را می‌نمایانند. هر نگرشی در فرد سبب می‌شود تا افراد دیگر نسبت به موقعیت، هدف، شخص، اندیشه و احساس آن فرد نزدیکی یا دوری کنند. نگرش تمایل یا عدم تمایل فرد را به کار معین می‌کند در نتیجه می‌توان گفت که نگرش‌ها در بر دارنده دوست داشتن یا دوست نداشتن هستند و چنین احساسی بر دانش فرد سایه می‌افکند (پیرکمالی، مومنی مهمونی و پاکدامن، ۱۳۹۲).

نگرش‌ها آموختنی و دیرپا هستند، گاه آگاهانه بیشتر موارد به تدریج، به صورت اتفاقی و ناخودآگاه کسب می‌شوند. صرف نظر از نحوه کسب آنها، نگرش‌ها نظام اعتقادی افراد را می‌نمایانند. هر نگرشی در فرد سبب می‌شود تا افراد دیگر نسبت به موقعیت، هدف، شخص، اندیشه و احساس آن فرد نزدیکی یا دوری کنند. نگرش تمایل یا عدم تمایل فرد را به کار معین می‌کند. در نتیجه می‌توان گفت که نگرش‌ها در بر دارنده دوست داشتن یا دوست نداشتن هستند و چنین احساسی بر دانش فرد سایه می‌افکند.

نگرش ها دارای این ویژگی‌های انحصاری‌اند: الف) نشان‌دهنده توجه فرد به یک مورد خاص هستند، ب) به طور کامل به مالکیت فرد در نمی‌آیند ج) قابل مشاهده‌اند (گلاورو برونینگ؛ ترجمه خرازی، ۱۳۸۲).

مطالعات نشان داده است که دانش‌آموزان دارای نگرش مثبت نسبت به مواد درسی تمایل به فعالیت خوبی در آن درس از خود ابراز می‌کنند و برعکس کسانی که درباره درسی نگرش منفی دارند واکنش مناسبی نسبت به آن درس ندارند (زکی، ۱۳۹۰).

معمولا دیده شده است که دانش‌آموزانی از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه هم بوده اما در پیشرفت تحصیلی تفاوت‌های زیادی با هم داشته‌اند. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش مربوط می‌شود. نگرش به یادگیری به حالت‌های درونی دانش‌آموز مربوط می‌شود که موجب هدایت رفتار تحصیلی او به سوی هدفش می‌شود، اشاره می‌کند (هالینی، ۲۰۱۰). نگرش یادگیری مثبت به پیشرفت، میل و اشتیاق یا تلاش و کوششی اطلاق می‌شود که دانش‌آموز برای دست یابی به اهداف آموزشی و تسلط بر امر یادگیری از خود ابراز می‌دارد (هومن، ۱۳۷۹).

به عبارتی نگرش یادگیری عبارت است از: نظامی با دوام که شامل دو عنصر شناختی و احساسی بوده و دربردارنده تمایلات و باورهای دانش‌آموز درباره جهت و مسیر تحصیل اوست. داشتن نگرش یادگیری مثبت باعث می‌گردد که امر یادگیری با موفقیت به انجام برسد و همچنین باعث تسلط یافتن و انتظام بخشیدن بر امر یادگیری توسط دانش‌آموزان می‌گردد. پژوهش‌های انجام گرفته حاکی از آنند که افراد دارای نگرش به پیشرفت در انجام کارها از جمله یادگیری بر افرادی که از این موضوع بی‌بهره‌اند پیشی می‌گیرند (کریمی، ۱۳۸۹).

به طور کلی نگرش در زمینه یادگیری و بهبود نگرش تحصیلی دانش‌آموزان در تعیین میزان علاقه و رغبت آنها برای توجه به آموزش‌هایی که در مدرسه داده میشود، تأثیر به‌سزایی دارد. ضرورت آگاهی از نقش و اهمیت نگرش‌های دانش‌آموزان در پیشرفت تحصیلی آنان و تلاش در جهت ایجاد یک نگرش مثبت و مطلوب نسبت به یادگیری و به ویژه به موضوعات مختلف در سی و و یا تغییر دادن نگرش‌های منفی آنان و جایگزینی یک نگرش مثبت موضوع مهمی است که باید به آن توجه خاصی شود (مری، ۲۰۰۷). نگرش عامل فعال ساز رفتار انسان است و از جمله عواملی است که می‌تواند در میزان پیشرفت تحصیلی تأثیر به‌سزایی داشته باشد. پیشرفت تحصیلی نیز یکی از مهمترین معیارهایی است که در بررسی توانایی دانش‌آموزان نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (سعدی پور، ۱۳۹۰).

پیشینه‌ی تحقیق

حکمن (۱۹۶۶) و پیکر (۱۹۷۱) بیان می‌دارند که در کشورهای پیشرفته عوامل مربوط به خانواده مثل تعلق طبقاتی، میزان درآمد و شرایط اقتصادی و سواد خانواده بیش از عوامل مربوط به مدرسه نظیر معلم، کتب درسی و... در پیشرفت تحصیلی فراگیران موثر است.

نتایج تحقیق فولرو هینمن (۱۹۸۹) و البرگ (۱۹۹۱) در کشورهای جهان سوم به نقش عوامل مربوط به مدرسه و جریان‌ات حاکم بر آن بیش از تأثیرات محیط خانواده تأکید می‌ورزند.

گالپر، ویگ فیلد و سیفلت (۱۹۹۷) پی بردند که رابطه مشارکت والدین در مدرسه و فعالیت یادگیری مبتنی بر خانه به طور مثبتی به رفتار کلاس درس، سازگاری با مدرسه، خود کارآمدی کودک و سطح کلی پیروی کودک از بزرگسالان در محیط خانه و محیط مجاور آن است.

مک وین و همکاران (۲۰۰۶) نیز پی بردند که سطح بالای مشارکت پدر در فعالیت‌های سواد در منزل کاهش رفتار پرخاشگرانه کودک را در پی دارد.

کانتر (۲۰۰۰) بیان می‌کند که میزان تأثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آنها بسیار چشم گیر است. آنها نقش اساسی در شکل گیری اعتقادات فرزندان‌شان بازی می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیر مستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند.

آندرسون (۱۹۸۷) نشان داد که متغیرهای جنسیت، قومیت، تحصیلات پدر، درگیری تحصیلی والدین، احساس تنیدگی برای پیشرفت و مفهوم خود پیش‌بینی‌های مناسبی برای پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستند.

مک کوبی و مارتین ۱۹۸۳، در تحقیقی که در رابطه با هوش، جنسیت، رشد اجتماعی و میل به مدرسه بر روی ۱۲۵ نفر از دانش‌آموزان کلاس اول در کشور هلند انجام داده‌اند؛ به این نتیجه رسیدند که آمادگی و میل به مدرسه با هوش و جنسیت ارتباط دارد ولی این عامل با رشد اجتماعی مرتبط نیست. آنها همچنین دریافتند که رشد اجتماعی با جنسیت و هوش همبستگی دارد. مینوچین و همکاران در تحقیقی در سال (۱۹۹۳)، تجارب اجتماعی و رشد اجتماعی ۱۰۰ کودک کودستانی را مورد بررسی قرار دادند و متعاقب آن ۳۰ نفر از این کودکان را در برنامه‌ای که بعد از مدرسه برای آنها تدارک دیده شده بود شرکت دادند، نتایج حاکی از آن بود که نمونه‌هایی که در برنامه‌های بعد از مدرسه شرکت کردند، خود را در یک مصاحبه دوستانه و جامعه‌سنجی بیشتر دواطلب می‌کردند.

هدایتی (۱۳۸۹) در کاری با عنوان به این نتیجه رسید که؛ کودکان بخشی بزرگی از خود پنداره‌شان را بر اساس کیفیت روابط خود با دیگران شکل می‌دهند. اگر کودکی مهارت‌های اجتماعی نداشته باشد، اغلب از طرف دیگر همسالان پذیرفته نمی‌شود. مکارمی (۱۳۷۳) در تحقیقی که در رابطه با تاثیر سطح پیشرفت تحصیلی والدین بر رشد اجتماعی ۱۰۵ کودک ۶-۱۰ ساله در سه ناحیه مختلف شهر شیراز انجام داده است؛ نتیجه می‌گیرد که تحصیلات والدین بر هوش کلی و هوش اجتماعی کودکان تاثیر معنا داری دارد.

در کاری با عنوان مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر شاهد و غیر شاهد در گروه سنی ۱۵-۱۲ که توسط سعادت نژاد در سال ۱۳۸۰ با استفاده از آزمون رشد اجتماعی وایلند انجام گشت. نتیجه می‌گیرد که رشد اجتماعی دختران شاهد از دختران غیر شاهد بیشتر است.

کاری با نام تاثیر خانواده و مدرسه بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان که توسط دست‌مرد، اسماعیلی، حمیدی (۱۳۹۴) انجام گرفت بیان می‌دارد؛ میزان سطح سواد والدین بر موفقیت دانش‌آموزان تاثیر چشمگیری دارد و همچنین اثر قطعی تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی، افت تحصیلی، مشکلات رفتاری و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان مسجل است و میزان سطح سواد والدین با پیشرفت تحصیل دانش‌آموزان ارتباط مستقیم و مثبت دارد.

طباطبائی یزدی (۱۳۶۴) در تحقیقی پیرامون "رابطه سطح تحصیلات والدین و پیشرفت دانش‌آموزان در سه مقطه ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان" به این نتیجه رسیده است که بین تحصیلات والدین و معدل نمره‌های درسی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، تحصیلات مادر به همان اندازه در پیشرفت تحصیلی فرزند موثر است که تحصیلات پدر موثرست.

مواد و روش تحقیق

این پژوهش به جهت هدف کاربردی و توصیفی - استنباطی می‌باشد و از طریق پرسشنامه‌های استاندارد در فضای کلاس درس استفاده شد، اطلاعات گردآوری شدند و در نهایت مطابق مدل داده محور، مقایسه بین دو گروه مورد نظر با بهره‌گیری از روش آماری آزمون تی دو نمونه مستقل مورد بررسی قرار گرفت. جامعه مورد پژوهش کلیه دانش‌آموزان ابتدایی ناحیه ۳ شهرستان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بود. با توجه به جامعه، از میان دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تعداد ۶۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

در این تحقیق به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه نگرش به یادگیری:

پرسشنامه نگرش به یادگیری اکپینر و همکاران (۲۰۰۹). این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال است. هر سوال بر اساس یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای «کاملاً مخالفم» «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم»، «کاملاً موافقم» پاسخ داده می‌شود. این گزینه‌ها به ترتیب نمره ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ می‌گیرند. سوال‌هایی که به صورت منفی‌اند بر عکس نمره گذاری می‌شوند. در پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس نگرش به یادگیری علوم ۰/۸۵ به دست آمد. روایی پرسشنامه نیز به صورت صوری و با استفاده از نظر متخصصین و صاحب‌نظران تایید شده است.

بیان مسئله

نگرش یکی از مفاهیمی که در روان شناسی همواره مورد بحث صاحب نظران بوده، مفهوم نگرش است. اینکه چه چیز یا چیزهایی باعث می شود که شخص به حزب، گروه، انجمن یا هیئت خاصی گرایش پیدا کند. به لحاظ اهمیتی که نگرش ها در زندگی افراد دارند، صاحب نظران آن را موضوع اصلی روان شناسی اجتماعی می دانند (سعدی پور، ۱۳۹۰). این اهمیت مبتنی بر این فرض است که نگرش ها تعیین کننده رفتارها هستند و این حاکی از آن است که با تغییر دادن نگرش های افراد می توان رفتارهای آنها را تغییر داد با افزایش نگرش های شخص در مورد چیزها، احتیاج او به تفکر و اخذ تصمیم های تازه کم می شود و رفتار او نسبت به آن چیزها عادی، قالبی پیش بینی می گردد و در نتیجه زندگی اجتماعی او بسیار آسان می شود (یارا، ۲۰۰۹). انسان در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری قدرتمندتر و توانا تر شده است، که همه این توانایی ها مدیون آموزش و یادگیری بوده است. بی تردید باید گفت که اهمیت یادگیری در رشد آدمی بسی فراتر از چشم انداز اندیشه های اوست (باغ خاصی، ۱۳۸۴). ما همیشه در حال یادگیری هستیم و اینکه از چه چیز بترسیم به چه کسی عشق بورزیم چگونه مؤدب باشیم، چگونه صمیمی باشیم و غیره همه را می آموزیم. روان شناسان به عظمت شکل پذیری نوع آدمی، حتی در سال های نخستین او پی برده و محقق ساخته اند که عامل اصلی در این شکل پذیری یادگیری است. به اعتقاد آنان هر رفتاری که از ما سر می زند، معلول یادگیری است. به این معنا که یک رشته از یادگیری های ساده تر موجب یادگیری های پیچیده تر می شوند. به علاوه چون محیط زندگی افراد آدمی همواره در معرض تغییر است انسان برای غلبه کردن بر این دگرگونی ها ناچار از یادگیری است (سیف، ۱۳۸۶).

فرضیه کلی: میانگین نمره نگرش به یادگیری دانش آموزان دارای والدین باسواد از دانش آموزان دارای والدین کم سواد یا بیسواد بیشتر است.

در ابتدا با توجه به جدول شماره ۱ یک خلاصه وضعیت از تعداد افراد مورد مطالعه و میانگین و واریانس هر گروه را در متغیر پیشرفت درس ریاضی دانش آموزان مشاهده می کنیم و سپس به تحلیل وضعیت فرضیه با توجه به متغیر موجود می پردازیم.

جدول شماره ۱: خلاصه وضعیت متغیر نگرش به یادگیری در دانش آموزان دو گروه

خطای معیار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	متغیرها
۰/۴۶۶	۱۲/۸	۶۹/۷۳	۳۰	کم سواد یا بیسواد
۰/۶۹۱	۱۳/۸	۸۱/۷۹	۳۰	با سواد

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می کنید، میانگین نمرات نگرش به یادگیری دانش آموزان دارای والدین با سواد بیشتر است. و نتایج واریانس دلیلی بر این ادعا است.

در جدول شماره ۲ به ادعای فرض ۱ مبنی بر بالا بودن نگرش به یادگیری دانش آموزان دارای والدین با سواد می پردازیم. تا درستی یا نادرستی این ادعا برای ما اثبات شود.

جدول شماره ۲: مقایسه میانگین نمره های نگرش به یادگیری بین دانش آموزان دارای والدین بی سواد و باسواد

شاخص ها	تفاضل میانگین ها	آزمون t	درجه ی آزادی	سطح معناداری
با سواد بی سواد	۱۲/۰۶	۷/۵۳	۵۸	۰/۰۰۵

همانطور که از اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می دهد، مقدار به دست آمد برای آماره آزمون $t(۵۳/۷)$ در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است ($Sig < ۰/۰۵$). بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ فرض H_0 (وجود ثبات) رد و فرض H_1 (وجود رابطه) تایید می شود. با توجه به اینکه میانگین نمره های نگرش به یادگیری، اختلاف میانگین آنها ۱۲/۰۶ می باشد. با این اوصاف؛ با توجه به نتایج آزمون t میانگین نمره نگرش به یادگیری دانش آموزان دارای والدین با سواد از دانش آموزان دارای والدین کم سواد با بیسواد بیشتر است.

نتیجه‌گیری

در این مطالعه ۶۰ نفر از دانش‌آموزان ابتدایی به طور تصادفی انتخاب شدند. نتایج تحقیقات گذشته و همچنین دستاوردهای نوین در عصر آموزش تحقیق مورد نظر را به سمت و سوی ارائه فرضیه‌هایی در راستای سطح سواد والدین کشاند. که در این تحقیق تاثیر آن بر روی نگرش به یادگیری آنها بررسی شده است.

با توجه به گسترش روز افزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد جامعه در حال رشد و نیز تغییر و تحولات سریع جوامع و تعدد دیگه‌ها در خصوص نقش آدمیان در دنیای جدید و نیاز به نحوه‌ی برخورد صحیح با این تحولات، آموزش و پرورش صحیح، پرورش قدرت استدلال و قضاوت، توانایی مواجهه با مسائل و نحوه‌ی تعاملات مناسب با افراد برای برآوردن نیازها از الزامات مهم روز است تا از این طریق فرد بتواند مسیر را از تاصحیح بازشناسد.

از یافته‌های جدول ۲ این نتیجه دریافت شد که سطح سواد والدین تاثیر بر نگرش به یادگیری دانش‌آموزان دارد. بنابراین این نتیجه می‌تواند این مسئله را درک کرد که سطح سواد والدین به شعور و نگرش دانش‌آموزان در برخورد با مسائل مرتبط می‌باشد. همچنین نحوه برخورد والدین با دانش‌آموزان برای شکل‌گیری نگرش آنها همواره می‌تواند بر پایه سطح سواد آنها باشد. با توجه به نتایج موجود می‌توان این امید را داشت که در آینده نزدیک با افزایش والدین با سواد، جامعه‌ای متمدن‌تر و پویاتر را دارا بود. همچنین نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برای تقویت نگرش دانش‌آموزان و به تبع آن افراد آینده‌ی جامعه، بسترهای فرهنگی را در سطح مدرسه و نهادهای خانواده اجرا کنند.

منابع و مراجع

- (۱) افروز، غلامعلی (۱۳۸۹). اقتدار والدین. ماه نامه‌ی پیوند. انجمن اولیاء و مربیان.
- (۲) باغ خاصی، منصور (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های شناختی انگیزش و پیشرفت تحصیلی در دختران دانش آموز پایه دوم راهنمایی مدارس دولتی شهر قدس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- (۳) پیر کمالی، محمد علی؛ مومنی مهموئی، حسین و پاکدامن، مجید (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سطح خودکارآمدی معلمان علوم تجربی با انگیزش نگرش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۰(۱): ۱۲۳-۱۳۵.
- (۴) حیدری، اکرم (۱۳۸۵). بلوغ، مشکلات روانی نوجوان و جوان افت تحصیلی. تهران: نشر گستر.
- (۵) زکی، محمد علی (۱۳۹۰). نگرش دانش‌آموزان به درس ریاضی و رابطه آن با اضطراب امتحان. مطالعات روانشناختی، ۷(۳): ۱۵۴-۱۸۱.
- (۶) سعدی پور، اسماعیل (۱۳۹۰). نظریه‌ها و سبک‌های یادگیری در کلاس. تهران: انتشارات آوای نور.
- (۷) سیف، علی اکبر (۱۳۸۶). روان شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
- (۸) کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های یادگیری و عملکرد دانشجویان طراحی و معماری. فصلنامه باغ نظر، ۵(۲۰): ۱۲-۳.
- (۹) گلاور. جان ای؛ بونینگ. راجر اچ (۱۳۸۲). روان شناسی تربیتی اصول و کاربرد آن. ترجمه علینقی خرازی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۰) هو من، حیدر علی (۱۳۹۰). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: سمت.
- 11) Aiken, L, R (1988). Psychological testing and assessment (6th ed). Boston: Allyn & Bacon.
- 12) Haight, K. W (2011). Teacher Self-Efficacy in the adoption and integration of Technology Within the Classroom. Thesis Degree of doctor: Walden University.
- 13) Merry, S. Orsmond, P. (2007). Students Attitudes to and Usage of Academic Feedback Provided Via Audio. Journal Bioscience Education, 11: 251.
- 14) Yara, P.O (2019). Relationship between Teachers Attide and Students Academic Achievement in Mathematics in Selected Senior Scndary Schools in Nigeria. EUROPEAN JOURNAL OF SOCIAL, (3): 364.